



## دستور تاریخی فعل

عبدالمحمد روح‌بخشان\*

□ دستور تاریخی فعل، حسن احمدی گیوی، نشر قطره، تهران ۱۳۸۰ش، ۲ جلد، ۹۶۲ صفحه.

چشم می‌خورد» (ص ۲۷ و ۲۸، «پیشگفتار»)، چندان که شاید بتوان «برای زبان کهن یک دستور و برای زبان امروز دستوری دیگر نوشت» نهایت اینکه «زبان کهن واحدهای جغرافیایی و تاریخی جدا دارد». آنچه مثلاً در نوشته‌های خواجه عبدالله انصاری هست متفاوت از زبان تاریخ بیهقی می‌نماید. در نتیجه «لازمه پژوهش جامع در دستور زبان فارسی این است که برای هر واحد جغرافیایی - تاریخی دستور زبانی جداگانه نوشته شود و، علاوه بر این، هریک از مقولات دستوری از آغاز تا امروز جداگانه بررسی شود» (همان، ص ۲۸).

اهمیت این امر وقتی روشنتر جلوه می‌کند که می‌بینیم که هیچ یک از کتابهای دستور زبان فارسی که از نیمه اول سده هفتم تاکنون تالیف شده‌اند جامع و مانع نیست. کتاب هزار و نهصد صفحه‌ای دستور تاریخی فعل که حاصل قریب چهار سال جست‌وجو و کندوکاو در متون فارسی قدیم و جدید است و چنین می‌نماید که در آن هیچ حرفی درباره فعل ناگفته نمانده است، از این قاعده مستثنی نیست (فهرست مباحث کتاب بیست و یک صفحه است).

زبان فارسی زبانی است به ظاهر ساده، فاقد تعقید، آسان فهم، کم دامنه، روان، گوشنواز و دلنشین. اما این وضع تا وقتی صادق است که با زبان محاوره یا شفاهی سروکار داریم زیرا که در زبان محاوره غلط و اشتباه معمولاً مجاز و بخشودنی است چه غرض از آن ایجاد ارتباط مستقیم و پیام‌رسانی فوری است و ارتکاب غلط و اشتباه شفاهی ظاهراً آسیبی به اصل زبان نمی‌رساند. ولی وقتی که به زبان مکتوب می‌رسیم وضع به کلی فرق می‌کند و زبان پیچیدگی‌هایی پیدا می‌کند که گاه حل ناشدنی می‌نمایند، چه در اینجا با قلمروی دیگر سروکار می‌یابیم که «دستور زبان» نام گرفته است و از مقوله‌های مختلف تشکیل شده است.

یکی از این مقوله‌های به ظاهر ساده و، در واقع، دشوار مقوله فعل است که «کار دستورنویسی و استخراج قواعد زبان را با دشواری‌هایی همراه می‌کند. و علت عمده آن این است که مرز دقیقی میان زبان نوشتاری روز با زبان کهن، با همه وجوه افتراق آنها دیده نمی‌شود و کاربردهای نحوی و صرفی دیرین، چه در نثر و چه در شعر امروز فراوان به

\* عبدالمحمد روح‌بخشان، پژوهشگر، مترجم از زبان فرانسه و ویراستار، مؤلف مقالات و آثار متعدد در زمینه‌های ایران‌شناسی و خاورشناسی.

وامتیازهای مهم و سودمند کتاب وجود جدولهای گوناگون است مثل «گروههای هشتگانه مصدرهای ساده» همراه با بُنهای ماضی و مضارع (در جای جای صفحه‌های ۱۹۸ تا ۲۱۱)، «مصدرهای زنده و پویای فارسی» (ص ۲۱۵ تا ۲۲۳)، «مصدرهای مهجور یا متروک» (ص ۲۲۴ تا ۲۳۰)، «مصدر دوم فعلها»، «فعلهای مرکب» همراه با «فعلیارها» (ص ۱۰۴۶ تا ۱۱۱۶)...

کتاب با چند فهرست (ص ۱۶۸۹ تا ۱۹۶۴) به پایان می‌رسد مثل کتابشناسی مآخذ به ترتیب الفبای نام مؤلفان، کتابشناسی مآخذ برحسب ترتیب تاریخی ...، اصطلاح‌نامه (فهرست توضیحی برخی از اصطلاحهای دستوری نوساخت و ضروری نما) و فهرست موضوعی که این دو فهرست آخر بسیار ضروری و مفید هستند. اما سودمندتر از آنها بخش مستقلی در پایان فصول کتاب است با عنوان «نگاهی به محتوای کتاب» (ص ۱۶۲۷ تا ۱۶۸۷) که در واقع چکیده‌ای از مندرجات کتاب است و به گمان ما بهتر این است که خواننده در ابتدا آن را مطالعه کند تا آشنایی اجمالی با محتوای کتاب پیدا کند و بعد به اصل کتاب پردازد.

کتاب، در مجموع «کاری است نوآمد» که با دقت و زحمت بسیار فراهم آمده است. حروفچینی و تدوین آن هم به همان اندازه پرزحمت و مقتضی دقت بوده است. لذا جای آن دارد که به مؤلف و ناشر دست مریزاد گفته شود همراه با آرزوی توفیق بیشتر در راه انجام خدمات فرهنگی دیگر. ■

کتاب متشکل از یازده فصل به شرح زیر است: «تعریف فعل و کلیات»، «اقسام فعل به اعتبار زمان» (که استخوانبندی کتاب را تشکیل می‌دهد)، «اقسام فعل به اعتبار مفعول»، «اقسام فعل به اعتبار فاعل»، «اقسام فعل به اعتبار ساختار»، «اقسام فعل به اعتبار نقش»، «اقسام فعل به اعتبار صرف»، «اقسام فعل به اعتبار وجه»، «اقسام فعل از جهات گوناگون»، «مفردات فعل»، «فعل و گفتنی‌های ناگفته». هر فصل معمولاً به چند بخش (فصل دوم دارای ۲۴ بخش) یا گفتار (فصل یازدهم متشکل از ۳۳ گفتار) تقسیم شده است. مؤلف برای انتظام بهتر مباحث آنها را با شماره‌های شناسه‌ای (به اصطلاح کُد) مشخص کرده است، چنان که فصل اول حاوی ۴۲۷ مبحث یا نمونه است، هر چند که این شناسه‌بندی در فهرست ابتدای کتاب به طور کامل انعکاس نیافته است.

نکته در خور توجه دیگر این است که مؤلف ناچار شده است برخی اسامی و اصطلاحهای تازه وضع کند، مثلاً در فصل «اقسام فعل به اعتبار زمان». به زمانهای زیر می‌رسیم: ماضی ساده (مطلق)، ماضی استمراری، ماضی نقلی، نقلی مستمر، بعید، بعیدمستمر، ماضی أبعد، أبعد مستمر، ماضی التزامی مستمر، ماضی مستمر (ملموس)، ماضی نقلی مستمر ملموس، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مستمر (ملموس)، مستقبل (آینده)، مستقبل مستمر، امر، امرمستمر تأکیدی، فعل دعا، فعل رؤیا (خواب)، آینده در گذشته، فعل وصفی، نفی فعل ... این دقت در تقسیم‌بندی در زمینه‌های دیگر هم مشهود است و در همه جا با نمونه‌های گوناگون همراه است. این نمونه‌ها یا شواهد از «همه شاهکارهای گرانسنگ زبان و ادب فارسی برگرفته شده‌اند و برحسب ترتیب تاریخی نقل شده‌اند حتی دهه و سال تألیف اثر یا درگذشت نویسنده یا گوینده نیز لحاظ شده است» (پیشگفتار، ص ۴۳). اما وسواس و دقت مؤلف در شماره‌گذاری متأسفانه به سبب استفاده نادرست از علائم نقطه‌گذاری آسیب دیده است. مسئله دیگر، طول و تفصیل مطلب است که گاه موجب خستگی و کسالت می‌شود، ولی، در عین حال، به حُسنش بخشوده می‌شود، یعنی که احصای کامل شواهد هر مورد و مبحث در متون قدیم و جدید موجب استغنائی خواننده از مراجعه به منابع متعدد می‌شود. یکی از محسنات